

بازشناخت راهبرد قدرت هوشمند دولت اوپاما علیه

جمهوری اسلامی ایران

ناصر پورحسن، * لقمان قنبری * و زهرا رضایی ***

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۵/۳

«تحریم» یکی از سیاست‌های ثابت آمریکا از دولت جیمی کارتر تا دونالد ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران بوده است. هدف این مقاله بازکاوی تحریم‌های عملی علیه ایران در دوره اوپاما با توجه به تحلیل مفهوم قدرت است. سؤال اصلی مقاله این است که اعمال قدرت در سیاست خارجی اوپاما در قبال ایران چگونه بود؟ فرضیه نیز این‌گونه صورت‌بندی شده است که اعمال قدرت اوپاما در برابر ایران بر بنیادهای قدرت هوشمند استوار بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کاربرد قدرت هوشمند از طرف اوپاما متأثر از فضای پست‌مدرنیستی قدرت و پذیرش تحول در معنا و کاربرد قدرت بود. راهبرد قدرت هوشمند ترکیبی از کاربرد همه مؤلفه‌ها و عناصر قدرت سخت و نرم نظیر استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، دیپلماسی اجبار، قدرت فناوری‌های اطلاعاتی و سایبری، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی، نهادگرایی بین‌المللی، اجماع‌سازی بین‌المللی، افکار عمومی و تصویرسازی بود. مواد خام این فرضیه با روش کتابخانه‌ای گردآوری و با روش تبیینی - تحلیلی پردازش شده است.

کلیدواژه‌ها: باراک اوپاما؛ قدرت هوشمند؛ جمهوری اسلامی؛ چندجانبه‌گرایی؛ تصویرسازی

* استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (نویسنده مسئول)؛

Email: na.pourhassan@abru.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی؛

Email: loghmanghanbari@gmail.com

*** کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه؛

Email: rezaei.zahra68@gmail.com

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی آمریکا، همواره جایگاه منحصر به فردی داشته است. جیمی کارتر پس از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا گفته بود سرنوشت انتخابات آمریکا نه در نیویورک بلکه در تهران تعیین شد (جوردن، ۱۳۶۳: ۸۳). طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶، پرونده هسته‌ای ایران به مهم‌ترین دستور کار سیاست خارجی دولت باراک اوباما تبدیل شد. در جریان مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون نام ایران را بیش از هر کشور دیگر مطرح کردند و در سال نخست ریاست جمهوری ترامپ، ایران یکی از کلیدواژه‌های ثابت سخنان وی بوده و رایزنی‌های گسترده دولت ترامپ علیه ایران از آغاز سال ۲۰۱۸ نیز خبر از دور جدید منازعات دارد. هویت متفاوت دو کشور، نشان‌دهنده آن است که تقابل جویی بین این دو بازیگر تأثیرگذار همچنان تداوم خواهد یافت. با توجه به اهمیت سیاست خارجی دوره اوباما در تاریخ منازعه ایران و آمریکا و نیز برای فهم بهتر و حتی مقایسه رویکرد رئیس‌جمهور کنونی آمریکا نسبت به ایران، فرصت مناسبی برای بازخوانی سیاست خارجی اوباما در قبال جمهوری اسلامی خواهد بود. شناخت مؤلفه‌ها و سازوکار سیاست خارجی آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ می‌تواند در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی و هدفمند کردن رفتارهای خود در قبال آمریکا در آینده مفید باشد. مهم‌تر از آن با رصد تحول معنایی و کاربردی قدرت در سیاست خارجی آمریکا، عکس‌العمل‌ها و رفتارهای هدفمندی را اتخاذ کرد.

هر کدام از رؤسای جمهور آمریکا راهبرد ویژه‌ای در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. راهبرد دولت اوباما «قدرت هوشمند»^۱ با پشتوانه تئوریک بود که بنای سیاست خارجی خود را در قبال ایران بر آن استوار ساخت. با توجه به اینکه معمولاً رؤسای جمهور دمکرات آمریکا، رویکرد لیبرالی و نئولیبرالی به روابط بین‌الملل دارند - که در مقابل رویکرد رئالیستی جمهوری خواهان قرار دارد - به نظر می‌رسد، قدرت هوشمند بر مبنای رویکرد نئولیبرالی بیشتر قابل تبیین باشد. در دوره اوباما صورت‌بندی قدرت برای

مقابله با ایران تحول نظری، ماهیتی و ابزاری یافت؛ در واقع عقلانیت استراتژیک اعمال قدرت از طرف اوباما در برخورد با ایران دارای یک وجه نظری با بنیادهای نئولیبرالی و هنجاری و یک رویه پراگماتیستی و توأم با تهدید سخت بود. آنچه در راستای مباحث مذکور به عنوان سؤال اصلی تحقیق قابل طرح است اینکه اعمال قدرت در سیاست خارجی اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران چگونه بود؟ فرضیه‌ایی که متناسب با این سؤال است اینکه چگونگی اعمال قدرت اوباما در مواجهه با ایران بر بنیاد اعمال قدرت هوشمند استوار بود. در پرتو قدرت هوشمند، راهبردهای آمریکا در دوره اوباما ترکیبی از کاربرد همه مؤلفه‌ها و عناصر دو سر طیف نمودار قدرت سخت و نرم نظیر استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک، عناصر نظامی، قدرت فناوری‌های اطلاعاتی و سایبری، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی، نهادگرایی بین‌المللی، اجماع‌سازی بین‌المللی، افکار عمومی و ایماژسازی بود. مواد خام این فرضیه با روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و بر مبنای روش تبیینی - تحلیلی پردازش می‌شود.

اگرچه پژوهش‌های متعددی درباره سیاست خارجی اوباما در قبال ایران انجام شده، اما هیچ‌کدام فرضیه این مقاله را پوشش نمی‌دهند و هنوز وجوه مختلف سیاست خارجی اوباما در قبال ایران به‌ویژه قدرت هوشمند وی کاملاً واکاوی نشده است. برخی از پژوهش‌های مذکور عبارت‌اند از: قربانی شیخ‌نشین، کرمی و عباس‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن» با برشمردن تحولات نظام جهانی و تغییر در ماهیت و اشکال قدرت بر اهمیت‌یابی قدرت هوشمند تأکید کرده‌اند. سازماند و قنبری (۱۳۹۱) در مقاله «آمریکا و رویکرد تلفیقی به امنیت بعد از حادثه یازده سپتامبر»، خط‌مشی آمریکا نسبت به ایران را تلفیقی از راهبردهای نرم‌افزارانه توأم با تهدید سخت‌افزارانه تحلیل کرده‌اند. متقی (۱۳۸۸) نیز در مقاله «همکاری نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما»، به موازنه‌گرایی، تعادل، همکاری، مشارکت و چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی اوباما اشاره کرده است. هرمزی (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و ابزارهای دولت اوباما در میانجیگری مذاکرات» بر محورهایی چون چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی بین‌المللی در دولت اوباما اشاره دارد.

۱. چارچوب مفهومی؛ قدرت هوشمند

«جوزف نای»^۱ بر این باور است که قدرت سخت، دلالت بر قدرت فرماندهی مستقیم روی منابع ملموس است، اما قدرت نرم غیرمستقیم بر دیگران اعمال می‌شود و مرتبط به منابع قدرت انتزاعی چون فرهنگ و ایدئولوژی است. به عبارت دیگر قدرت سخت با استفاده از ابزار (هویج) یا تهدید (چماق) مستقیم به منظور تغییر رفتار دیگران است. اما قدرت نرم خودش را از طریق جذابیت فکری و توانایی خاص تصمیم‌گیرندگان نشان می‌دهد، به عبارت دیگر اعمال قدرت نرم یعنی اینکه کشورهای دیگر را آزادانه و بدون استفاده از قدرت اجبار به سوی خود همراه کنید.^۲ از لحاظ تاریخی، قدرت (سخت) با توجه به معیارهایی چون اندازه جمعیت و قلمرو، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی اندازه‌گیری می‌شد.^۳ در این مدل قدرت در چارچوب «آمریت» معنا می‌یابد؛ درحالی که قدرت نرم با عنصر «اقتناع» تعریف می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۸).

به تعبیر دیگر، قدرت نرم به جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسو می‌سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می‌ستاند (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

اگرچه نای در کتاب رهبری و قدرت هوشمند به کارگیری قدرت نرم را به تنهایی کافی نمی‌داند و بر کارآمدی و ترکیب این دو وجه قدرت ذیل عنوان قدرت هوشمند تأکید کرد (نای، ۱۳۸۶: ۷۹-۷۸)، اما درحقیقت قدرت هوشمند با نام «سوزان ناسل»^۴ شناخته می‌شود. وی با احمقانه خواندن قدرت یکجانبه سخت جرج بوش پسر، اولین بار در سال ۲۰۰۴ عبارت «استفاده از قدرت هوشمند» را به منظور حمایت و پیشبرد منافع آمریکا از طریق ایجاد شبکه‌ای پایدار از متحدان، نهادها و هنجارها معرفی کرد.^۵ هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه دولت اوباما که قدرت هوشمند را مبنای خود در دوره وزارت خارجه قرار داده بود، در تأیید و استفاده از قدرت هوشمند گفت «ما باید برای هر وضعیتی طیف گسترده‌ای

1. Joseph Nye

2. Ming-Te and Mei-Hsien, 2011: 5.

3. Nye, 2004: 7.

4. Suzanne Nossel

5. JSOU Report, 2013: 23.

از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، سیاسی، قانونی و فرهنگی را مورد استفاده قرار دهیم.^۱ ناسل در مقاله خود در *فارین افییرز*^۲ کفایت اصطلاح قدرت نرم جوزف نای را در مقابله با تهدیدهای جدی علیه منافع آمریکا به چالش کشید و از مفهوم جدید قدرت به معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت^۳ و نرم یعنی قدرت هوشمند برای مقابله با تهدیدهای جدید علیه امنیت ملی آمریکا سخن گفت. ناسل معتقد است توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک آمریکا باید در یک جهت هماهنگ شود تا برآیند آن تداوم هژمونی آمریکا را تضمین کند.^۴ ناسل، قدرت هوشمند را به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدها به کار برد. کاربرد قدرت هوشمند در عمل نشان داده است که بهترین انتخاب هر کشور، سیاستی است که ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت باشد و همراه با اعمال زور، اقناع نیز به کار رود (قربانی شیخ‌نشین، کرمی و عباسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۸). می‌توان گفت قدرت هوشمند به معنای توسعه استراتژی یکپارچه است. منبع ابتکاری و جعبه ابزاری برای رسیدن به اهداف آمریکاست که بر ضرورت وجود یک ارتش مقتدر تأکید دارد، اما در کنار آن به سرمایه‌گذاری روی اتحادها، مشارکت‌ها و نهادها در همه سطوح به منظور توسعه نفوذ و ایجاد مشروعیت برای اقدامات آمریکا تأکید دارد.^۵ در شرایطی که قدرت سخت‌افزاری دچار ناکامی‌های مختلفی مانند هزینه‌دار بودن و قدرت نرم با محدودیت‌های ناشی از غافلگیری در برابر تهدیدهای غیرقابل پیش‌بینی مواجه شده است، قدرت هوشمند توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم را پیدا می‌کند و به جای مقابله با تهدیدهای جاری، درصدد مدیریت تهدیدهای آینده نیز می‌باشد. به عبارت دیگر آینده‌گرا بودن و هوشیاری محیطی، مسیریابی، سرعت عمل، انعطاف‌پذیری، تناسب بین اهداف و منابع قدرت از فواید قدرت هوشمند است.

در حالی که در قدرت نرم، از به کارگیری قدرت سخت خودداری می‌شود، در قدرت هوشمند ممکن است از قدرت سخت استفاده شود؛ زیرا اگر رقیب احساس کند که احتمال

1. Glenn, 2011: 2.

2. Foreign Affairs

3. Soft Power

4. Nosal, 2004.

5. Armitage and Nye, 2007: 7.

به کارگیری قدرت سخت علیه او وجود ندارد، بنابراین در رفتار خود هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند. هوشمندی قدرت به ضریب استفاده از قدرت سخت در کنار نرم مرتبط می‌شود و این وجه برجسته تفاوت آن با قدرت نرم است. کشورها در راستای کسب همکاری با سایر بازیگران در چارچوب ائتلاف‌گرایی، همکاری با نهادهای بین‌المللی، مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های جهانی از طریق افکار عمومی و اجماع‌گرایی برای غلبه بر مشکلات بین‌المللی در صدد اعمال قدرت در چارچوب قدرت هوشمند هستند.

۲. مؤلفه‌های اعمال قدرت هوشمند در سیاست خارجی اوباما

انتخاب اوباما، همراه با یک اکثریت دمکرات در کنگره، فرصت تاریخی برای طراحی برنامه امنیتی جدیدی را فراهم کرد. این برنامه جدید فقط واکنش به دولت و حزب جمهوری خواه نبود بلکه پاسخی به شرایط بین‌المللی بود که در نتیجه اعمال قدرت سخت از طرف جرج بوش پدیدار شده بود. بنابراین اوباما به منظور بازسازی سلطه بین‌المللی آمریکا و مواجهه با تهدیدهای جدید بین‌المللی، راهبرد سیاست خارجی جدید خود را بر بنیاد نظری و عملی قدرت هوشمند قرار داد.^۱ سیاست خارجی آمریکا به دنبال حملات یازده سپتامبر، در چارچوب دکترین بوش برای دفاع از امنیت ملی آمریکا و حفظ منافع حیاتی این کشور به نظامی‌گری و یکجانبه‌گرایی تغییر جهت داده بود. بوش سه تغییر عمده و استراتژیک را باعث شد: ۱. کاهش اتکای آمریکا به اتحادیه‌ها و نهادهای بین‌المللی، ۲. گسترش تفکر راست سنتی مبتنی بر جنگ پیش‌دستانه و بازدارنده، ۳. پیشبرد دمکراسی تحمیلی به منظور حل مبارزه با تروریسم.^۲ اما از تبعات اعمال قدرت سخت و یکجانبه در افکار عمومی به‌ویژه کشورهای اسلامی ضدیت با این کشور بود. لذا با توجه به نتایج و هزینه‌های سنگین سیاست‌های بوش که به مخدوش شدن چهره آمریکا در جهان انجامید،^۳

1. Valdés-Ugalde and Duarte, 2001-2012: 97.

2. Dimitrova, 2009: 2.

۳. البته در دوره زمامداری بوش به‌ویژه در دوره دوم، برخی از دولتمردان آمریکایی معتقد بودند استفاده از نیروی نظامی نمی‌تواند گزینه مناسبی برای حل تهدیدات پیش روی آمریکا باشد. برای مثال رابرت گیتس وزیر دفاع وقت گفت نمی‌توانیم با کشتن و دستگیر کردن در مسیرمان برای غلبه بر تروریسم پیروز شویم (Glenn, 2011: 2).

اوباما شعار تغییر و استراتژی قدرت هوشمند را با هدف بازسازی چهره آمریکا در دستور کار خود قرار داد.

ناسل بر این باور بود که برخلاف محافظه‌کاران که بر قدرت نظامی و یکجانبه‌گرایی به‌عنوان ابزار اصلی کشورداری تکیه کرده‌اند، انترناسیونالیست‌ها (اوباما) بر ابزارهای دیگر قدرت همچون دیپلماسی، تجارت، کمک‌های خارجی و گسترش ارزش‌ها تأکید دارند.^۱ خطوط اساسی استراتژی قدرت هوشمند در مقاله «احیای رهبری آمریکا» که باراک اوباما در مجله *فارین افیرز* نوشته است، به‌خوبی قابل استخراج است: ۱. سیاست‌های بوش اشتباه بوده و نباید تداوم داشته باشد، ۲. آمریکا توان و موقعیت هژمونی جهانی را داراست، ۳. لازمه تداوم رهبری آمریکا همراهی با دیگر کشورهاست، ۴. برای تحقق رهبری آمریکا در کنار نیروی نظامی، باید دیپلماسی مطمح نظر قرار گیرد.^۲ می‌توان گفت پنج حوزه کلیدی قدرت هوشمند که سیاست خارجی (اوباما) را جهت‌دار می‌کرد، عبارت بودند از: ۱. اصل مشارکت و همکاری، ۲. اهمیت توسعه جهانی به‌ویژه مسئله بهداشت جهانی، ۳. اهمیت دیپلماسی عمومی، ۴. اهمیت همگرایی یا ادغام اقتصادی و ۵. مسئله فناوری و نوآوری.^۳ در یک برداشت کلان از دکترین امنیت ملی که اوباما ارائه داد، می‌توان محورهای مختلف سلبی و ایجابی را از آن استنتاج کرد. محورهای سلبی عبارت‌اند از: ۱. دوری از یکجانبه‌گرایی، ۲. دوری از جنگ پیشگیرانه، ۳. دوری از اتکا به دخالت نیروهای نظامی؛ و محورهای ایجابی که عبارت‌اند از: ۱. چندجانبه‌گرایی، ۲. تأکید بر اقتصاد، ۳. ظرفیت‌سازی‌های نوین منطقه‌ای (مطلبی و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷۰). همچنین تأکید بر ائتلاف‌گرایی، اجماعی‌گرایی و استفاده از سازوکارهای نهادی بین‌المللی برای مدیریت بحران‌ها و تهدیدهایی نوظهور و مقابله با کشورهایی که منافع آمریکا را به چالش می‌کشند. اوباما بر این باور بود که برای کسب موفقیت به راهبردی نیازمند است که در آن همگرایی و توان نظامی، دیپلماسی، اطلاعاتی و انتظامی را در کنار اقتصاد به‌طور ماهرانه به کار گیرند و این در واقع به این معناست که آمریکا نیازمند

1. Ibid.: 2.

2. Obama, 2007.

3. Dimitrova, 2009: 5.

اتخاذ سیاست خارجی بر محور قدرت هوشمند است. نگاه اواما به مفهوم هژمونی آمریکا نیز نسبت به دوران قبل چرخشی اساسی را تجربه کرد. نگاه بوش نسبت به هژمونی مبتنی بر سیاست قدرت بود. اما تعریف اواما از هژمونی بیشتر به نظریه گرامشی از هژمونی نزدیک تر بود. بنابراین هژمونی مبتنی بر پذیرش از سوی بازیگران بین‌المللی بود. به علاوه اواما تلاش کرد از جنگ پیش‌دستانه پرهیز کند و سطح ارتباطات آمریکا را با اروپا، جهان اسلام و روسیه بهبود بخشد. او در قالب سیاست قدرت هوشمند و ابزارهای دیپلماتیک تلاش کرد نظامیان آمریکایی را از عراق خارج کند و گفتگوی بدون پیش‌شرط را با ایران و طالبان پیشنهاد کند. منطق بین‌المللی گرای لیبرال^۱ اواما ایجاب می‌کرد سیاست خارجی آمریکا بر پایه «چندجانبه‌گرایی همکاری‌جویانه» صورت گیرد و با اتخاذ راهبرد «ائتلاف‌سازی»^۲ نقش رهبری محدودی در همکاری خود با اعضای جامعه جهانی ایفا کند.^۳ فرانسیس فوکویاما^۴ نیز با ابداع اصطلاح جدید «چندین - چندجانبه‌گرایی»^۵ می‌نویسد جهان بسیار گوناگون‌تر و پیچیده‌تر از آن است که به شایستگی با یک پیکره واحد جهانی دیده شود. بنابراین اواما با تصدیق ضعف در معماری سیاست موجود، بر ضرورت تجهیز دوباره^۶ و اصلاح نهادهای بین‌المللی برای برخورد با چالش‌های قرن بیست و یکم تأکید کرد. پیامد چنین نگاهی، در پیش گرفتن سیاست چندجانبه‌گرایانه و قائل شدن نقشی بالاتر برای نهادهای بین‌المللی، یا اقدام در چارچوب‌های تصمیم‌گیری با طیف گسترده‌تری از بازیگران بود.

۳. ارزیابی ابزارهای اعمال قدرت هوشمند اواما در قبال ایران

با وقوع انقلاب اسلامی و به ویژه بحران گروگان‌گیری، روابط ایران و آمریکا وارد دوره پر

1. International Liberal

2. Coalition Building

۳. یکی از مصادیق بارز استفاده از قدرت هوشمند در دوره اواما حمله به لیبی با عنوان «عملیات انسان‌دوستانه» و

«مسئولیت حمایت» در چارچوب ائتلاف بین‌المللی یکپارچه و تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت بود

(Dimitrova, 2009: 6).

4. Francis Fukuyama

5. Multi-multilateralism

6. Retool

تنش و بی‌اعتمادی شد. حضور آمریکا در خلیج فارس زمان جنگ ایران و عراق برای حفاظت از نفت کش‌های کوبیتی شرایط رویارویی ایران و آمریکا را فراهم کرد تا آنجا که در سال ۱۹۸۸، ناو «وینسنس» با شلیک موشک به هواپیمای مسافربری ایران، ۲۹۰ مسافر ایرانی را کشته و این مسئله خود قطعاً تأثیر سرنوشت‌سازی در روابط ایران و آمریکا گذاشت.^۱ از این سال به بعد آمریکا با طراحی و سازماندهی‌های مختلف در تلاش بود ایران را هم در داخل و هم در صحنه بین‌المللی منزوی و درنهایت سرنگون کند. به‌طور کلی بعد از انقلاب اسلامی ایران، تاکنون آمریکا سه رویکرد را در مقابله با انقلاب اسلامی در پیش گرفته است: قدرت سخت، قدرت نرم و قدرت هوشمند. نگاهی به تاریخ آمریکا، نشان می‌دهد سیاست خارجی این کشور از کارتر گرفته تا بوش پسر در بین دو طیف قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قابل تقسیم است. البته به‌طور نسبی هر کدام از آنها مطلقاً قدرت سخت یا قدرت نرم را به کار نبرده‌اند؛ با این وجود اختلاف آنها در اولویت کاربرد هر کدام از دو نوع قدرت بوده است. با کمی مسامحه می‌توان گفت کاربرد قدرت سخت بیشتر از سوی جمهوری خواهان به‌ویژه بوش پدر و پسر و استراتژی قدرت نرم‌افزاری از طرف دمکرات‌ها علیه ایران اعمال می‌شده است. اما در دوره اوباما ادبیات جدیدی در تعاملات آمریکا با ایران در چارچوب قدرت هوشمند گشوده شد به همین دلیل او راهبرد قدرت هوشمند را در خصوص ایران انتخاب کرد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ابزارهای راهبرد قدرت هوشمند دولت اوباما علیه ایران را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد.

۱-۳. تأکید بر روش‌های مذاکره دیپلماتیک و تاکتیکی (در قضیه هسته‌ای)

ابزارهای دیپلماتیک در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها استفاده می‌شود. از جمله می‌توان به مدیریت روابط با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی؛ مذاکرات بر سر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مسائل دیگر اشاره کرد. همچنین از این ابزار به‌منظور متقاعد کردن شرکا و دیگر کشورها برای پذیرش طرح‌های ابتکاری استفاده می‌شود.^۲ مذاکرات تاکتیکی، در زمره الگوهای است که زمینه را برای همکاری و مشارکت دو یا چندجانبه

1. Brynteson, 2014: 14.

2. Ibid.: 30.

کشورها فراهم می‌کند. یکی از راه‌های بازسازی روابط سیاسی و دیپلماتیک، ایجاد زمینه برای انجام اقدامات مرحله‌ای و مذاکرات تاکتیکی است (متقی، ۱۳۸۹: ۲۱). اواما هدف از مذاکره با ایران را جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای می‌داند. در چارچوب روش مذاکرات دیپلماتیک از سال ۲۰۰۹، سیاست‌های دوگانه اواما که ترکیبی از تعامل، فشار و عناصری از قدرت سخت و نرم یا همان قدرت هوشمند بود، فضای جدیدی در روابط ایران و ایالات متحده فراهم ساخت. این قدرت هوشمند که به معنای کاربرد همزمان ابزارهای قدرت (دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی) بود از دلایل دستیابی به یک توافق هسته‌ای با ایران بود.^۱ در واقع بین همه رؤسای جمهور آمریکا، حساس‌ترین نقطه نزدیکی ایران و آمریکا در زمان ریاست جمهوری باراک اواما به وجود آمده بود که موضوع برنامه هسته‌ای ایران ضرورت همکاری برای دست یافتن به راه‌حلی ثابت را بین دو کشور فراهم آورده بود.

۲-۳. ائتلاف‌گرایی علیه ایران

اواما استدلال می‌کرد در قرن بیست و یکم آمریکا به تنهایی نخواهد توانست چالش‌های جدید را حل کند و سرنوشت این کشور در حوزه‌های بازار و امنیت با جهان به اشتراک گذاشته شده است. بنابراین باید متناسب با این تغییرات به ترکیب نواز قدرت سخت و نرم، بازسازی روابط با متحدان و به جبران مخدوش شدن چهره آمریکا در خارج از کشور پرداخت.^۲ در واقع آمریکا برای ایفای نقش سیاسی و بین‌المللی، مشارکت و همکاری با نهادهای بین‌المللی را امری لازم می‌داند. این همکاری موجد ائتلاف‌ها و فضای مشترکی است که خود انعکاس‌دهنده قدرت هوشمند است (برق‌افکن، ۱۳۹۳: ۴۲). برای مثال درحالی‌که تا قبل از سال ۲۰۱۰ اروپا و سایر کشورها تمایل چندانی به همراهی با آمریکا در تحریم ایران نداشتند، آمریکا به مرور توانست با به کارگیری ابزارهای مختلف متحدان خود و بسیاری کشورهای دیگر را مجاب کند در راستای فشار اقتصادی بر ایران، با آنها همکاری و ائتلاف کنند (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵). یا اینکه در اکتبر سال

1. Ibid.

2. Glenn, 2011: 2.

۲۰۱۰ بانک‌های امارات متحده عربی تحت فشار خزانه‌داری آمریکا به‌طور موقت همکاری خود را با بانک ایران قطع کردند. به دلیل وابستگی بانکی ایران به بانک‌های امارات در جابه‌جایی وجوه حاصل از فروش نفت، این موضوع فوراً به افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش ریال منجر شد (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۳۶). ائتلاف‌گرایی از این لحاظ مهم بود که اوباما برای مقابله با ایران حاضر به پرداخت هزینه نبود. به علاوه واکنش افکار عمومی جهان در صورت هرگونه اقدام یکجانبه علیه ایران مسئله مهمی برای اوباما بود؛ بنابراین در همین راستا ائتلاف‌سازی با کشورهای اروپایی به‌ویژه در مورد مسئله حقوق بشر، تحریم‌ها و مسئله هسته‌ای نقش مؤثری در پیشبرد اعمال قدرت هوشمند اوباما علیه ایران داشت.

۳-۳. تحریم‌های همه‌جانبه هوشمند

کاربرد تحریم‌های یکجانبه^۱ و حمایت آمریکا از سازمان ملل برای اعمال تحریم‌های اقتصادی، عناصر اصلی قدرت سخت محسوب می‌شوند که آمریکا در چارچوب قدرت هوشمند نسبت به برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرد.^۲ درحالی‌که ایران هرگز به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده، اوباما اعلام کرد ایران مسلح هسته‌ای را نخواهد پذیرفت. بنابراین با اعمال تحریم‌های سخت اقتصادی درصدد بود توانایی ایران را به‌منظور دستیابی به غنی‌سازی محدود کند. اعمال تحریم منجر شد ایران توافق موقت (طرح اقدام مشترک) را در نوامبر ۲۰۱۳ امضا کند و مطابق این توافق بخشی از برنامه هسته‌ای خود را در ازای برداشتن بخشی از تحریم‌ها محدود کند.^۳ نباید فراموش کرد که خارج از توافق هسته‌ای، آمریکا ایران را به اتهام حمایت از تروریسم مشمول تحریم کرد و این تحریم‌ها ربطی به مذاکرات هسته‌ای نداشتند و حتی گسترش هم یافت.^۴ بخشی دیگر از تحریم‌های هوشمند، شامل تحریم

۱. اولین تحریم‌های آمریکا علیه ایران را جیمی کارتر متعاقب دستگیری دیپلمات‌های آمریکا در سفارت ایران اجرا کرد. جیمی کارتر با صدور فرمان اجرایی، اموال ایران در آمریکا را مصادره کرد. بعد از کارتر، ریگان ایران را به حمایت از تروریسم و به نقش داشتن در کشته شدن ۲۴۱ تفرنگ‌دار آمریکایی در سال ۱۹۸۳ متهم کرده و در لیست حامیان تروریسم قرار داد. در سال ۱۹۹۵ بیل کلینتون طی یک فرمان اجرایی هر نوع تجارت و سرمایه‌گذاری آمریکا با ایران را ممنوع اعلام کرد (Harvard Kennedy School, 2015: 3-4).

2. Brynteson, 2014: 18.

3. David, 2015: 18.

4. Iran Task Force, 2014: 7.

اشخاص حقیقی یا حقوقی دولتی و غیردولتی می‌شد که منشأ رفتارهای دولتی بودند «شورای امنیت می‌تواند با اعمال تحریم‌های هوشمند جهت جلوگیری از جریان آزاد منابع مالی، منابع طبیعی و تسلیحات اقدام کند» (آل کجیاف و انصاریان، ۱۳۹۳: ۱۳). به‌طور کلی تحریم‌های زمان اوپاما عبارت بودند از: تمدید داماتو، تحریم کشتیرانی ایران (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۰)، قانون جامع تحریم ایران، کاهش سرمایه‌گذاری (۲۰۱۰)، تحریم بانک مرکزی، بانک سپه، بانک صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک رفاه کارگران و ...، تحریم برای حمایت از دموکراسی بعد از حوادث انتخابات ۱۳۸۸ و همچنین علیه بسیج و نیروی انتظامی، تحریم ۵۰ دانشمند هسته‌ای و جمعی از قضات و سیاستمداران (۹ ژوئیه ۲۰۱۱)، قانون تحریم نفت و بانک مرکزی (۳۱ دسامبر ۲۰۱۱) (غم‌امی، ۱۳۹۲: ۹۴). به‌علاوه بخشی از این تحریم‌ها بیشتر در قالب انسداد دارایی اشخاص، منع مسافرت افراد، تحریم تسلیحاتی و درنهایت، فروش کالاهای خاص تبلور پیدا کرد (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). اوپاما (در چارچوب قدرت هوشمند) محدودیت‌های زیادی در حوزه دستیابی ایران به فناوری مدرن ایجاد کرده است. این محدودیت‌ها در قالب سیاست‌های امنیتی تنظیم شده بود که ماهیت تکنولوژیکی و فنی داشت. تهدیدهای فنی معطوف به محدودسازی انتقال دانش و مهارت‌های فنی برای تولید کالا و خدماتی بود که می‌تواند بر قدرت ملی ایران تأثیرگذار باشند (متقی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در این راستا هیلاری کلینتون بر ضرورت به‌کارگیری قدرت هوشمند علیه جمهوری اسلامی با هدف آنچه او جلوگیری از دستیابی ایران به قدرت هسته‌ای نامید، اشاره کرد. اوپاما معتقد بود توافق دیپلماتیک بهترین راه برای مهار برنامه هسته‌ای ایران است درحالی‌که اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، برنامه این کشور را تنها برای مدتی به تعویق می‌اندازد. نکته قابل تأمل این است که آمریکا تحریم‌های ضدایرانی را خارج از چارچوب «برجام»^۱ ادامه داده است. در جدول ذیل به عمده‌ترین تحریم‌های آمریکا در دوره باراک اوپاما علیه ایران اشاره شده است.

۱. برنامه جامع اقدام مشترک علیه ایران.

جدول ۱. عمده‌ترین تحریم‌های آمریکا علیه ایران در دوره باراک اوپاما (۲۰۰۶-۲۰۱۱)

نام	تاریخ	بیان عناصر مهم
قانون حمایت از آزادی ایران	سپتامبر ۲۰۰۶	• اعمال تحریم‌ها در خصوص توسعه سلاح‌های کشتار جمعی / و توسعه سلاح‌های متعارف، • تدوین قانون ممنوعیت تجارت ایالات متحده.
فرمان اجرایی ۱۳۴۳۸	ژوئیه ۲۰۰۷	• مسدود کردن اموال کسانی که در بی‌ثباتی عراق نقش داشته‌اند.
تحریم‌های جامع ایران مسئولیت‌پذیری و کاهش سرمایه‌گذاری	ژوئیه ۲۰۱۰	• تحریم فروش بنزین به ایران، • تحریم مؤسسات مالی خارجی در ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم.
فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳	سپتامبر ۲۰۱۰	• انسداد اموال کسانی که به نقض حقوق بشر در ایران متهم هستند.
فرمان اجرایی ۱۳۵۷۲	آوریل ۲۰۱۱	• مسدود کردن دارایی مقامات ایرانی که ناقض حقوق بشر در سوریه هستند.
فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰	نوامبر ۲۰۱۱	• تحریم‌های مرتبط با نگهداری یا توسعه منابع نفتی ایران.
بخش ۱۱۳ تشخیص پولشویی قانون میهن‌دوستی ایالات متحده آمریکا	نوامبر ۲۰۱۱	• طراحی بخش مالی ایرانی به‌عنوان حوزه اصلی نگرانی پولشویی.
بخش ۱۲۴۹ قانون اجازه دفاع سال ملی ۲۰۱۲	دسامبر ۲۰۱۱	• محدودیت صادرات نفت، • تدوین بخش ۳۱۱ طراحی پولشویی.

Source: Harvard Kennedy School, 2015: 10.

اوپاما در چارچوب سیاست چندجانبه‌گرایی و ائتلاف‌گرایی در همراهی کشورهای اروپایی در زمینه تحریم‌های بیشتر علیه ایران کوشید که این خود نشان از هوشمند کردن تحریم‌ها بود. برای مثال شورای وزیران اتحادیه اروپا تحریم‌های متنوع و متعددی را علیه برنامه اتمی ایران به صورت مصوبه‌های مستقل از هم تصویب کرده بود. تحریم‌های اتحادیه اروپا همه کشورهای عضو را ملزم به رعایت آن می‌کرد. اولین تحریم اتحادیه اروپا علیه برنامه اتمی ایران بر مبنای تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، بهمن سال ۱۳۸۶ (مطابق با فوریه ۲۰۰۷) تصویب شد. اعمال برخی محدودیت‌ها در ارسال قطعات، تجهیزات و فناوری‌ها به ایران که می‌توانست در گسترش فناوری‌های موشکی و اتمی کاربرد داشته باشد، اولین مرحله از

تحریم‌های اتحادیه اروپا بود. این محدودیت‌ها در سال‌های بعد به حمل و نقل هوایی و دریایی، معاملات بانکی، فروش نفت و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران گسترش یافت و تجهیزات و فناوری‌ها، اشخاص و شرکت‌های مورد تحریم بیشتری را شامل شد.

اتحادیه اروپا ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۰، تحریم‌هایی یکجانبه را علیه ایران وضع کرد. این تحریم از ابعادی وسیع‌تر برخوردار بود. این درحالی است که در گذشته میان اعضای اتحادیه برای اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران اتفاق نظر وجود نداشت (ایزدی، ۱۳۸۸: ۷). در دوره اوباما می‌توان به مهم‌ترین تحریم‌هایی که اروپا بر ایران اعمال کرد تحریم‌های مالی، بانکی و اقتصادی، تحریم سامانه‌های پیام‌رسان بین‌بانکی (از جمله سوئیفت)، تحریم تسلیحاتی و موشکی اشاره کرد. علاوه بر این، افراد و نهادهایی هم بوده‌اند که ذیل همین قوانین در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند و قرار شد نام آنها پس از اجرای برجام، از فهرست تحریم‌ها خارج شود.

جدول ۲. مهم‌ترین تحریم‌های اروپا علیه ایران (۲۰۱۲-۲۰۰۷)

نام	تاریخ	بیان عناصر مهم
Council Common Position 2007/140/CFSP	فوریه ۲۰۰۷	<ul style="list-style-type: none"> • ممانعت از صادرات فناوری‌های حساس هسته‌ای و موشک‌های بالستیک، • ممنوعیت کمک‌های مالی و فنی مرتبط با برنامه‌ها در فعالیت‌های هسته‌ای یا موشکی، • مسدود کردن دارایی و ممانعت از سفر اشخاص و شرکت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای.
Council Decision 2010/413/CFSP	ژوئیه ۲۰۱۰	<ul style="list-style-type: none"> • ممانعت از صادرات انواع تسلیحات و تجهیزات (منظور نظامی است)، • ممنوع کردن کمک‌های مالی و فنی مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای و با دستیابی (یا تولید) به تسلیحات، • ممانعت از صادرات تجهیزات و فناوری‌های کلیدی مرتبط با صنعت نفت و گاز طبیعی، • طرح ممانعت از بیمه و یا بیمه مجدد برای اشخاص ایرانی، • گسترش افراد و شرکت‌ها بیشتر در لیست تحریم‌ها.
Council Decision 2011/235/CFSP	آوریل ۲۰۱۱	<ul style="list-style-type: none"> • مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت از سفر اشخاص در خصوص نقض حقوق بشر.

نام	تاریخ	بیان عناصر مهم
Council Decision 2012/35/CFSP	ژانویه ۲۰۱۲	<ul style="list-style-type: none"> • تحریم واردات، خرید و یا حمل و نقل نفت خام ایران و محصولات پتروشیمی، • ممنوعیت مالی و بیمه در ارتباط با فروش و حمل و نقل نفت خام ایران، • تحریم صادرات تجهیزات برای صنعت پتروشیمی و کمک‌های فنی و مالی، • ممنوعیت فروش طلا، فلزات با ارزش و الماس به ایران.
Council Decision 2012/152/ CFSP	مارس ۲۰۱۲	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد ممنوعیت برای سرویس‌های پیام‌رسان مالی برای بانک‌های ایرانی (برای مثال رد دسترسی ایران به سوئیفت).
Council Decision 2012/635/ CFSP	اکتبر ۲۰۱۲	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوع کردن خرید، واردات و یا حمل و نقل «گاز طبیعی از ایران»، • تحریم یا ممانعت از صادرات تکنولوژی کشتی‌سازی.

Source: Ibid.

۳-۴. سازوکارهای نهادهای بین‌المللی

قدرت سخت‌افزاری بر اجبار تأکید دارد، درحالی‌که قدرت هوشمند بر مشارکت استوار است. ازسویی، نهادهای بین‌المللی در زمره کارگزاران و بازیگران قدرت هوشمند قرار دارند. این امر به مفهوم آن است که برای ایفای نقش سیاسی و بین‌المللی، ضرورت مشارکت با نهادهای بین‌المللی، اجتناب‌ناپذیر است (قربانی شیخ‌نشین، کرمی و عباس‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۶). برای مثال در چارچوب سازوکارهای نهادهای بین‌المللی، رژیم تحریم‌های بین‌المللی که موجب انزوای ایران برای بیش از ۱۰ سال شده بود، با ارجاع پرونده هسته‌ای آن به شورای امنیت سازمان ملل آغاز شد.^۱ این شورا در ابتدا بیانیه ۱۹۶۹ را در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۶ درباره پرونده هسته‌ای ایران صادر کرد؛ که براساس آن از ایران خواسته شد غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند در غیر این صورت با تحریم‌های احتمالی دیپلماتیک یا اقتصادی مواجه خواهد شد. این بیانیه که ذیل بند «۴۰» فصل هفت منشور سازمان ملل تصویب شده و حاوی معیارهای تنبیهی یا تحریمی نیست، با رأی موافق و یک رأی مخالف (قطر) تصویب و صدور قطعنامه‌های سریالی آغاز شد. در این راستا، می‌توان به قطعنامه ۱۹۲۹ که در آگوست ۲۰۱۰ به تصویب اعضای شورای امنیت سازمان ملل رسید، اشاره کرد. این قطعنامه معطوف به محدودسازی قابلیت‌های تجاری، مالی، صنعتی و تکنولوژیکی ایران بود

1. Harvard Kennedy School, 2015: 3.

(متقی، ۱۳۸۹: ۲۴). در این قطعنامه شورای امنیت خواستار اقداماتی علیه بانک‌های جدید ایرانی در خارج از کشور در صورت مظنون بودن درخصوص برنامه‌های هسته‌ای یا موشکی ایران شده بود. این تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل با تحریم سه شرکت تحت کنترل کشتیرانی جمهوری اسلامی گسترش یافت که متعلق به سپاه پاسداران بود.

جدول ۳. مهم‌ترین قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران (۲۰۰۸-۲۰۱۰)

شماره	تاریخ	بیان عناصر مهم
۱۸۰۳	مارس ۲۰۰۸	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوعیت‌های گسترده تجارت مواد و تجهیزات حساس هسته‌ای، • اعمال تحریم‌ها به منظور ممانعت از سفر اشخاص، • گسترش افراد و شرکت‌های بیشتر در لیست تحریم‌ها.
۱۸۳۵	سپتامبر ۲۰۰۸	<ul style="list-style-type: none"> • تأیید قطعنامه‌های قبلی (یعنی ضرورت اجرایی آنها).
۱۹۲۹	ژوئن ۲۰۱۰	<ul style="list-style-type: none"> • ممانعت از سرمایه‌گذاری‌های وابسته به فعالیت‌های هسته‌ای در خارج از کشور، • ممانعت از صادرات سیستم‌های نظامی (تسلیحاتی) مهم و ممانعت‌هایی در زمینه فنی و مالی که مرتبط با مسائل نظامی باشند، • تصویب قوانین بازرسی «همه محموله‌هایی که به ایران یا از ایران خارج می‌شوند» در صورتی که مظنون حمل مواد غیرقانونی باشند، • فراخوان دولت‌ها برای ممانعت از تصویب قوانینی که موجب شود شرایط را برای فرار ایران از تحریم‌ها فراهم کند، • گسترش افراد و شرکت‌های بیشتر در لیست تحریم‌ها.

Source: Ibid.

۳-۵. ابزار حقوق بشر

تحریم افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی هر کشور به دلایل مختلف، از این جهت که ناقض آزادی‌های فردی و در نتیجه نقض حقوق بشر محسوب می‌شود، تحریم حقوق بشری است. از طرفی تحریم‌هایی که علیه دولت‌ها و نهادهای حقوقی آنها به دلیل عملی که ناقض حقوق بشر بوده، اعمال می‌شود، نیز تحریم حقوق بشری نامیده می‌شود (جلالی، صادقی محمدی و بابایی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). در این راستا تحریم‌های حقوق بشری تنها با توافق هسته‌ای برداشته نمی‌شوند بلکه گسترش یافته است. در چارچوب حقوق بشری این تحریم‌ها به

شکل توقیف دارایی‌ها و ممنوعیت سفر متهمان اعمال می‌شود.^۱ بنا به استراتژی امنیت ملی آمریکا که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، اعلام شده آمریکا باید از همه افرادی که در مرزهای بیرون از آمریکا تحت ستم واقع می‌شوند، حمایت کند.^۲ در همین راستا بود که اوباما با صدور فرمان اجرایی ۱۳۵۵۳ در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰، با ادعای نقض حقوق بشر معترضان به انتخابات [سال ۱۳۸۸]، خواستار برقراری تحریم‌های بیشتر علیه ایران شد و این اختیار را به وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا داد تا افرادی را که به ادعای آنان مسئول نقض حقوق بشر علیه مردم ایران طی انتخابات یا وقایع پس از آن بودند یا در آن دست داشته‌اند، تحریم‌هایی کند (همان: ۱۳۶). در واقع اوباما در چارچوب قدرت هوشمند بر تحریم‌های به اصطلاح حقوق بشری به نوعی از تحریم‌های هوشمند تأکید کرده تا بتواند ایران را به امتیازدهی و اتخاذ دیپلماسی انفعالی در حوزه‌های سیاسی، به خصوص پرونده هسته‌ای و وضعیت حقوق بشر، وادار کند. بر این اساس، فشارهای حقوق بشری علیه ایران گاه از طریق مواضع رسمی و غیررسمی دولت آمریکا مانند تحریم قطعنامه، گاه از طریق قطعنامه‌ها و بیانیه‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشر مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعمال می‌شوند که به مواردی از آنها در جداول اشاره شد. گفتنی است جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا در این زمینه کاملاً سیاسی و تبعیض‌آمیز بوده زیرا برای نمونه می‌توان به عربستان اشاره کرد که به‌رغم نقض صریح حقوق بشر داخل کشور و نیز در جنگ یمن، مورد اعتراض دولت اوباما واقع نشد.

۳-۶. اجماع‌سازی بین‌المللی

به‌طور کلی آمریکایی‌ها بر آن بودند که در چارچوب قدرت هوشمند به‌جای «ترس»، «خوشبینی» را به جهان صادر کنند و یکجانبه‌گرایی رادیکال نومحافظه‌کاران را به چندجانبه‌گرایی اجماع - محور و سپس به چندجانبه‌گرایی ارزش - محور تبدیل سازند و از این طریق به مدیریت پتانسیل‌های جهانی برای نزدیک شدن به ایران با دو هدف احتمالی «تقابل کامل و مصالحه جامع» دست یابند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). اوباما بسیار هوشمندانه

1. Iran Task Force, 2014: 7.

2. White House, 2010: 10.

درصد بود به یک اجماع‌سازی بین‌المللی در لایه‌های گوناگون علیه ایران دست یابد. بنابراین او با این باور به‌جای گزینه نظامی، بایستی با چانه‌زنی با متحدان واشنگتن در اروپا و شرق آسیا، مقدمه همگرایی و هم‌افزایی ظرفیت‌ها برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند. تحریم‌هایی که پس از سال ۲۰۱۰ علیه ایران تصویب شد، به‌علت وجود اجماع بین‌المللی مؤثر واقع شد چراکه تنها از جانب آمریکا وضع نشده بود بلکه یک تصمیم مشترک با سایر کشورها بود.

۷-۳. جنگ سایبری هوشمند

اساساً شاخص‌های قدرت مجازی را موضوعاتی مانند تکنولوژی ارتباطی و فناوری اطلاعات تشکیل می‌دهد. ابزارهای مجازی قدرت هوشمند می‌توانند حامل پردازش، ذخیره و انتقال اطلاعات باشند که در حوزه قدرت نرم مورد استفاده قرار می‌گیرند (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۳۹). «جیمز موران» طراح اصلی پیش‌نویس قانون «تقویت دیجیتال در ایران» مدعی بود که این طرح به‌منظور حمایت از تحرکات دمکراتیک مردم ایران با تقویت توانایی کاربران برای دسترسی به اینترنت و رفع موانع و محدودیت‌های فراروی کاربران اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطی تدوین شده است. در این قانون دولت آمریکا ملزم شده است از تویتر، فیس‌بوک و سایر فناوری‌های ارتباطی برای سازماندهی تظاهرات و سایر فعالیت‌های مرتبط با آن حمایت و از صدور خدماتی که باعث تقویت فیلترهای نظارتی دولت ایران بر فضای آنلاین می‌شود، خودداری کند (جلالی، صادقی محمدی و بابایی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). بنابراین در چارچوب اعمال قدرت هوشمند یکی از تدابیر باراک اوباما، در کنار اجماع‌سازی، بهره‌گیری از فنون جنگ‌های الکترونیکی و سایبری است که از مصادیق آن می‌توان به طراحی تهاجم ویروس استاکس‌نت به نیروگاه اتمی بوشهر در ژوئن ۲۰۱۰ اشاره کرد. درواقع یکی از موارد مشهود مقابله آمریکا با ایران، جنگ سایبرنتیک در محیط اینترنت، بحث فیلترینگ و ضدفیلترینگ بود. از زمانی که ایران تصمیم گرفت سیاست فیلتر کردن سایت‌های غیرمجاز یا حاوی مطالب ضدامنیت ملی را اجرا کند، آمریکا برای مقابله سیاست‌های خاصی را جهت دسترسی کاربران ایرانی به این سایت‌ها اتخاذ کرد.

برای مثال هیلاری کلینتون وزیر خارجه سابق آمریکا در کتاب *انتخاب‌های سخت* با اشاره به حمایت‌های پشت پرده وزارت خارجه تحت امرش از اغتشاشات سال ۱۳۸۸ ایران می‌نویسد: «تیم من در وزارت خارجه در پشت صحنه، تماس‌های مستمری با فعالان در ایران برقرار می‌کرد و با مداخله‌ای فوری توانست از توقف تویتر به دلیل تعمیرات جلوگیری کند. اگر تویتر تعطیل می‌شد تظاهرکنندگان یکی از ابزارهای مهم‌شان برای ارتباط را از دست می‌دادند» (خبرگزاری *افکارنیوز*، ۱۳۹۵/۳/۲۲). درنهایت در راستای جنگ هوشمند سایبرنتیکی می‌توان به نافرمانی مدنی الکترونیک اشاره کرد. درواقع نافرمانی مدنی الکترونیک رخنه و نفوذ به سایت‌های پربیننده، درج تصاویر و خبرهاست. بنابراین اوپاما بر مبنای کاربست سازوکارهای قدرت هوشمند راهبردهای ترکیبی چندوجهی پیچیده را علیه ایران به کار برد. جنگ‌های سایبری اشاره به حمله گسترده و هماهنگ دیجیتال به منظور نفوذ به کامپیوترها و شبکه اطلاعاتی ایران بود که شامل تهدید زیرساخت‌های حیاتی و حساس ملی و سیستم‌های نظامی است. برای مثال استفاده از هکرها، به‌عنوان عامل نفوذگر به قصد نفوذ، خرابکاری یا هرگونه عملیات تخریبی دیگر روی شبکه‌های کامپیوتری ایران از جمله اقدامات دوره اوپاما بود.

۳-۸. دیپلماسی عمومی و مسئله افکار عمومی

یکی از تعاریفی که می‌تواند گویای ماهیت دیپلماسی عمومی باشد، از سوی آژانس تبلیغات آمریکا ارائه شده است. بر مبنای این تعریف، فعالیت دیپلماسی عمومی درک توده‌های مردم کشور مخاطب، دادن پیام برای آنان، فعالیت به منظور تأثیرگذاری بر آنها و توسعه گفت‌وگو میان شهروندان و نهادهای یک کشور از یک سو و نهادهای کشور مخاطب از سوی دیگر است که این امر باعث تقویت منافع ملی می‌شود (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). در این راستا نظریه پردازان قدرت هوشمند بر این باورند که افکار عمومی در شرایط بحران (وضعیت ایران در بعد از انتخابات سال ۱۳۸۸) حاصل می‌شود؛ بدون سازمان‌دهی بحران، امکان مدیریت افکار عمومی وجود ندارد (قربانی شیخ‌نشین، کرمی و عباس‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴). در چارچوب دیپلماسی عمومی پیام نروزی اوپاما را به مردم ایران می‌توان مثال زد. به عبارتی، یکی از

بخش‌های سیاست خارجی دولت اواما در مقابل ایران، دیپلماسی عمومی با مردم ایران بود (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). وجه تمایز اصلی انواع دیپلماسی عمومی از دیپلماسی سنتی، در نوع ارتباط با مردم و استفاده از وسایل تبلیغی است؛ یعنی دیپلماسی عمومی از ابتدا با مردم، تشکل‌های عمومی (شهرداری‌ها و ...) و سازمان‌های غیردولتی سروکار داشته و فعالیت‌های آن محدود به نظرات دولت نیست (محسن‌زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۱۰). بنابراین اواما در برخورد با ایران کوشید از طریق دیپلماسی عمومی، جنبه‌ای از سیاست خود را سازماندهی کند، زیرا دیپلماسی عمومی یکی از شگردهای اساسی قدرت نرم (عنوان یک سرطیف از قدرت هوشمند) محسوب می‌شود و این مؤلفه‌ها خود منافی برای آمریکا در پی دارد و بخش‌هایی که اجراکننده دیپلماسی عمومی هستند می‌توانند اهداف خود را به طریقی غیرمستقیم، پله‌پله و غیرحساس دنبال کنند (برق‌افکن، ۱۳۹۳: ۷۰). اواما معتقد بود دیپلماسی عمومی صرفاً جنگ ایده‌ها نیست، بلکه تلاش چندجانبه برای ایجاد فهم، اطلاع‌رسانی، تعامل و تأثیرگذاری بر ایستارها و رفتار رهبران و افکار عمومی سایر کشورهاست. در این راستا اواما همسو با گزینه تحریم، تلاش کرد عمق استراتژیک حمایت‌های مردمی از رژیم ایران را کاهش دهد و بخشی از این استراتژی با ایجاد شکاف بین رهبری نظام و نهادهایی همچون سپاه پاسداران دنبال شد. در چارچوب دیپلماسی عمومی، اواما کوشید سیاست‌های تحریمی دولت و کنگره را در قالب گفتمان‌های بشردوستانه و حقوق بشری بنا کند تا از این طریق بیشترین دامنه تأثیر را بر چتر جامعه ایران داشته باشند. بنابراین دیپلماسی عمومی اواما تلاشی بود تا از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت نرم و فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

۹-۳. رسانه و تصویرسازی

بهره‌مندی از رسانه‌ها در فعال‌سازی قدرت هوشمند نقش مؤثری ایفا می‌کنند، به این معنا که آنها با انتقال مفاهیم به افکار عمومی، ذهنیت و ادراک شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (همان: ۴۱). جوزف نای اهرم‌های رسانه‌ای نظیر تلویزیون، خبرگزاری‌ها، سینما و اینترنت را مروجین فرهنگ کشوری چون آمریکا در همه دنیا معرفی می‌کند. وی می‌نویسد: «تصاویر چندگانه ترسیم شده توسط تلویزیون یا سینما می‌تواند انتقال‌دهنده

پیام‌های سیاسی باشند. معمولاً تصاویر، ارزش‌ها را قدرتمندتر از کلمات انتقال می‌دهند و هالیود اصلی‌ترین مروج نمادهای مجازی است» (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۶). در واقع تئوری قدرت هوشمند به این امر می‌پردازد که در فضای جدید جهانی و عصر تصویرسازی و با توجه به امکانات جدید به وجود آمده و چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌رو چگونه می‌توان تصویری با هیبت، هیمنه و جذاب از خود ارائه کرد تا با استفاده از آن در رفتارهای کنشگران مورد نظر در این فضا تغییراتی مطلوب به وجود آورد و زمینه برای تعامل سازنده و پویا فراهم شود (محسن‌زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۵). در مورد تصویرسازی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اعمال قدرت هوشمند «مارک کرک» در خصوص تلاش‌های آمریکا برای ارتباط مستقیم با مردم ایران برای عملیات روانی و نفوذ بیشتر ابراز امیدواری کرد که سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه می‌تواند مخاطبان ایرانی را تحت پوشش قرار داده و اهداف براندازی نرم را تسهیل کند (حسینی و باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۵). برای تأثیرگذاری تصویرسازی به‌عنوان ابزار قدرت هوشمند می‌توان به ذکر این مثال توجه کرد که در سال‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی با سرعتی بی‌نظیر در ایران گسترش یافته‌اند. این شبکه‌ها قبل از انتخابات سال ۱۳۸۸ تبدیل به صفحاتی برای تبلیغات کاندیداها شدند و به دنبال قطع شدن سیستم پیام کوتاه، شبکه‌هایی همچون فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، فرند فید و ... به تقویت و تشدید فعالیت‌های خود پرداختند و پیوند میان معترضان و هدایت‌گران خارجی آنها را برقرار کردند. همچنین در چارچوب قدرت هوشمند باراک اوباما از سازوکارهای نظری دیپلماسی رسانه‌ای، پروپاگاندا، عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای و تبلیغات سیاسی و فرهنگی علیه ایران استفاده کرد. به عبارت دیگر رسانه‌ها در اشکال متنوع آن به کمک سیاست خارجی باراک اوباما برای ارائه ایماژ و تصویر مورد نظر خود از ایران در عرصه داخلی ایران و عرصه منطقه‌ای و جهانی بودند.

۱۰-۳. دیپلماسی اجبار

«تحریم» و «تهدید» مهم‌ترین پایه‌های «دیپلماسی اجبار» آمریکاست. اوباما در این چارچوب درصدد بود ایران را مطابق خواست غرب به پای میز مذاکره بکشاند. بر این اساس، اعمال

تحریم‌های یکجانبه و خارج از ساختار شورای امنیت و همچنین ترجیح‌بند «همه گزینه‌ها روی میز است»، در این راستا قابل تفسیر و تحلیل بود (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۲/۶/۱۵). به عبارت دیگر وی همسو با دیپلماسی عمومی از «دیپلماسی اجبار» علیه ایران هم استفاده کرد. البته دیپلماسی اجبار ماهیت نهادی و چندجانبه دارد، درحالی که سیاست تهدید، دارای جهت‌گیری یکجانبه و مقابله‌جویانه است. دیپلماسی اجبار به معنای پررنگ‌تر شدن وجه قدرت سخت است. اوپاما به‌رغم اختلافاتی که با نتانیاهو داشت، از طریق وی غیرمستقیم ایران را تهدید می‌کرد. موضوع حمله رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران، اگرچه هزینه‌های فراوانی می‌توانست به دنبال داشته باشد، اما به‌رحال ایران را به دلیل اینکه نمی‌خواست وارد جبهه جدیدی در شرایط تحریم‌ها شود، به‌عنوان یکی از مصادیق برجسته قدرت هوشمند اوپاما علیه ایران تعبیر کرد. چون ادراک او این بود که سیاست تحریم علیه ایران مؤثر است، بنابراین خیلی به‌سوی سازوکار سخت‌افزاری نرفت.

ویژگی دیپلماسی اجبار آن است که بازیگران فرادست در روند مذاکرات، انعطاف کمتری نشان داده و تلاش دارند تا با محدودسازی بازیگران و فرسایشی کردن مذاکرات به حداکثر نتیجه ممکن نائل شوند. به این ترتیب، هدف اساسی اوپاما در این رویکرد که به دیپلماسی اجبار معروف بود، پرهیز از جنگ یا حتی تصاعد جدی بحران به سطح نظامی بود. عملیاتی کردن دیپلماسی اجبار سخت‌تر از طراحی آن است؛ زیرا این کار صرفاً اقدام واحد نیست، بلکه می‌تواند مجموعه‌ای از مذاکرات تاکتیکی باشد که در قالب برنامه کلان برای اجبار حریف طراحی شده باشند (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

۱۱-۳. جنگ هوشمند (سیاست مهار و بازدارندگی)

جنگ هوشمند یا قدرت هوشمند، به‌نحو استراتژیکی از دیپلماسی، اغوا، ایجاد ظرفیت‌ها، نمایش قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی و اعمال نفوذهای امپریالیستی به‌طور مؤثری استفاده به‌عمل می‌آورد که درعین حال به‌جای تعرض نظامی به‌صورت تاکتیکی، با مشروعیت سیاسی و اقتصادی همراه است (حسینی و باقری چوکامی، ۱۳۹۱، ۱۴۷-۱۴۶). درحالی که دیپلماسی بیشتر متمرکز بر توسل به شیوه‌ها و اقدامات اقناعی، به غیر از جنگ

است و تصور اینکه اهرم‌های قدرت از همدیگر مجزا هستند، اشتباه است. واقعیت این است که آنها در یک طیف به هم پیوسته، قدرت ملی کشور را تشکیل می‌دهند و ترکیب هوشمند و همزمان آنهاست که اهداف راهبردی را محقق می‌سازد. تاریخ نیز نشان داده نیروی اجبارآمیز، به خصوص قدرت نظامی، هم با مذاکره و اهرم‌های دیپلماتیک و هم با اقتصاد دارای روابط طولانی و معنادار بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). گرچه سیاست مهار و بازدارندگی معطوف به براندازی و تغییر رژیم در ایران نبود، اما بیشترین مطلوبیت را برای دولت اوباما ایجاد کرد. به عبارت دیگر، سیاست مهار هزینه محدودی برای آمریکا دارد و از سوی دیگر، توان اقتصادی و راهبردی ایران را در طولانی مدت کاهش می‌دهد. چنین روندی به منزله مقابله غیرمستقیم محسوب می‌شود. بهره‌گیری از الگوهای تهاجمی همانند کودتا، اشغال نظامی، حمله تاکتیکی و ایجاد فضای سیاسی برای حمله هوایی رژیم صهیونیستی به تأسیسات ایرانی برای آمریکا پرمخاطره خواهد بود. بنابراین، اوباما ترجیح می‌داد از الگوهای بهره‌گیر که هزینه محدودتری برای آمریکا داشته باشد. هدف نهایی این الگو در طولانی مدت ایجاد زمینه فرسایش قدرت راهبردی ایران بود (متقی، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۷).

۱۲-۳. یارگیری منطقه‌ای علیه ایران

قدرت هوشمند می‌تواند با اشکال جدید، زمینه‌های لازم را برای کاربرد نیروی نظامی فراهم سازد، به گونه‌ای که کاربرد این نیروهای نظامی در شکلی هوشمندانه از استراتژی‌های قدرت هوشمند است که یکی از اینها، مشارکت با متحدان و ائتلاف‌سازی است (برق‌افکن، ۱۳۹۳: ۴۲). اوباما بر این باور بود که باید ایران را با همسایگان خود وارد درگیری سرد، فرسایشی و هزینه‌بر کند. این کار باید با حمایت‌های ایالات متحده از همسایگان ایران و ایجاد جرئت و جسارت مقابله با ایران در آنها صورت گیرد و دولت‌های همسایه را از خطرات هسته‌ای ایران آگاه کند. به این دلیل که صرفاً با در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی نمی‌توان ایران را از فعالیت‌های هسته‌ای بازداشت، بلکه باید شرایط منطقه‌ای نیز مناسب باشد (عبدالله و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۰۳). سیاست ایران‌هراسی در کشورهای همسایه بدین صورت بود که اولاً ایران از گروه‌های رادیکال و تندرو در

خاورمیانه حمایت می‌کرد. دوم اینکه ایران تلاش می‌کرد زمینه براندازی متحدان آمریکا در خاورمیانه را فراهم کند و سوم آنکه ایران مخالف ایجاد صلح میان اعراب و رژیم صهیونیستی و اجرای توافقنامه صلح خاورمیانه بود (متقی، ۱۳۸۹: ۲۶). در بحث هسته‌ای، نیز آمریکایی‌ها با حضور مستقیم و گسترده نظامی در مناطق پیرامونی ایران، تلاش برای استقرار سیستم‌های دفاع موشکی در این مناطق، ایران‌هراسی و تشویق همسایگان - به‌خصوص همسایگان جنوبی - به ایجاد ائتلاف و تجهیز خود به سلاح‌های پیشرفته، تشدید تحریم‌ها برای انزوای جمهوری اسلامی و امنیتی ساختن فضای ژئوپلیتیکی این کشور، در حال تضعیف توانایی بازدارندگی ایران بوده‌اند. دیگر اقدامات نظامی آمریکا در منطقه به فروش تسلیحات پیشرفته به کشورهای عرب خلیج فارس معطوف بود.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با قدرت رسیدن باراک اوباما، آمریکا در حال گذار از دوره سلطه‌گری سخت‌افزارگرا (هژمون‌گرایی یکجانبه‌نگر) به مدیریت و هدایت‌گری (موازنه‌سازی چندجانبه‌گر) با استفاده از راهبرد قدرت هوشمند بود. در این راستا مفهوم قدرت در دستگاه نظری و اجرایی سیاست خارجی آمریکا بسته به شرایط متحول جهانی، در معرض دگرذیسی واقع شد. بنابراین اوباما در این دوران به دنبال آن بود که بهترین راه مقابله با ایران کاربست راهبرد قدرت هوشمند، یعنی استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی (شورای امنیت)، ائتلاف‌سازی با قدرت‌های دیگر، همراهی‌سازی سایر کشورها با خود، کنار گذاشتن نظامی‌گری و استفاده از دیپلماسی و مذاکره علیه ایران است. اتخاذ سیاست قدرت هوشمند مبتنی بر طرح‌های ابتکاری بود که شامل کاربست نیروی نظامی (تهدید به حمله)، دیپلماتیک (تداوم مذاکره)، فشار اقتصادی (تحریم‌ها)، ارتباطات و اطلاعات (راهبرد جنگ سایبری) و جنگ ژئواکونومیک (ممانعت از سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و کشورها در زمینه‌های نفتی و گازی)، استفاده از قدرت نهادهای بین‌المللی، اجماع‌گرایی و ائتلاف‌گرایی جهانی، به‌طور همزمان علیه ایران بود. در واقع عدم موفقیت سیاست‌های نومحافظه‌کاران در مقابل ایران به‌علاوه مخدوش شدن چهره آمریکا در افکار عمومی و بحران‌های اقتصادی داخلی در

خود آمریکا در نهایت باعث شد سیاست خارجی خود را در قبال ایران براساس اصول جدیدی به نام قدرت هوشمند استوار سازد. اوباما بر این باور بود که هویت خاص ژئوپلیتیک، ماهیت قومی و مذهبی جامعه، اهمیت جایگاه نفت در اقتصاد سیاسی و وجود برخی شکاف‌ها در ایران، زمینه را برای کاربرد قدرت هوشمند علیه ایران فراهم خواهد کرد. از این رو به‌زعم دولت اوباما، آمریکا در چارچوب قدرت هوشمند با تحریک مسئله اقوام ایران به‌علاوه تداوم تحریم‌ها و استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های جدید ماهواره‌ای به ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت و همزمان تأکید بر روش مذاکره برای حل مسئله هسته‌ای و از طرف دیگر مطرح کردن بحث حقوق بشر، در نهایت توانست به نسبت ریاست جمهوری‌های قبلی به اهداف خود در ایران برسد. اساساً خط‌مشی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی در دوره اوباما تلفیقی از راهبردهای نرم‌افزارانه توأم با تهدید سخت‌افزارانه بود. ایالات متحده درصدد تشکیل یک شبکه از فشارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی جدید، به‌منظور منزوی و تضعیف کردن ایران بود؛ بنابراین اعمال تحریم و فشارهای سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه در زمینه انرژی هسته‌ای در همین راستا دنبال می‌شد. این کشور در کنار استفاده از شیوه‌های سخت‌افزاری، درصدد بهره‌گیری از ابزارهای نوین در مقابل ایران بود و در همین راستا بود که مباحثی چون دیپلماسی عمومی، دیپلماسی پنهان، بهره‌گیری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دستور کار قرار گرفت. به‌طور کلی اوباما درصدد برآمد تا در چارچوب قدرت هوشمند، «فرایند تهدید - مهار - تحریم - ترغیب» را در چارچوب قدرت هوشمند علیه ایران به کار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. آل کجفاف، حسین و مجتبی انصاریان (۱۳۹۳). «تأثیر تحریم های یکجانبه و چندجانبه بر ایران از منظر حق بر سلامت شهروندان ایرانی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، ش ۲۹.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷). قدرت نرم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع).
۳. ایزدی، پرویز (۱۳۸۸). «روابط فراآتلانتیکی در دوران اوباما»، فصلنامه راهبرد، ش ۵۱.
۴. برق افکن، مجید (۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی سیاست جرج بوش پسر و باراک اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد.
۵. جعفری، علی اکبر (۱۳۹۲). «قدرت هوشمند و ابزارهای جمهوری اسلامی ایران، خیز تدریجی آمریکا برای مقابله سیستمی با ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۲، ش ۳.
۶. جلالی، محمود، ستاره صادقی محمدی و مجتبی بابایی (۱۳۹۳). «ارزیابی تحریم‌های آمریکا علیه ایران در قالب گفتمان حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۷ و ۱۸.
۷. جمشیدی، محمد (۱۳۹۲). «تحریم؛ ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، ش ۶۲.
۸. جوردن، هامیلتون (۱۳۶۳). بحران، ترجمه محمود مشرقی، تهران، نشر هفته.
۹. حسینی، حسین و سیامک باقری چوکامی (۱۳۹۱). «آینده پژوهی و پیش‌بینی در جنگ نرم»، آفاق امنیت، ش ۱۶.
۱۰. خبرگزاری افکار نیوز (۱۳۹۵/۳/۲۲). «حمایت‌های پشت‌پرده کلینتون از اغتشاشات ۸۸»، <http://www.afkarnews.ir/%D8%A8>
۱۱. خبرگزاری دفاع مقدس (۱۳۹۲/۶/۱۵). «دیپلماسی اجبار ایالات متحده در قبال ایران/ چرا ایران به‌عنوان یک تهدید معرفی می‌شود؟»، <http://defapress.ir/fa/news/2846/%D8%AF>
۱۲. داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۱.
۱۳. سازمند، بهاره و لقمان قنبری (۱۳۹۱). «آمریکا و رویکرد تلفیقی به امنیت بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه، سال سیزدهم، ش ۴۵.
۱۴. عبدالله، عبدالمطلب و مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۲). «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال

- انقلاب اسلامی ایران؛ تداوم یا تغییر؟ مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان، سال هفتم، ش ۷.
۱۵. غمامی، محمدمهدی (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر، سال دوم، ش ۴.
۱۶. قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷). «راهبرد اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دین و سیاست، دوره ۵، ش ۱۷.
۱۷. قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، کامران کرمی و هادی عباس‌زاده (۱۳۹۰). «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۴.
۱۸. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «همکاری نامتقارن ایران و آمریکا در دوران اوباما»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۶.
۱۹. _____ (۱۳۸۹). «ارزیابی مقایسه‌ای تهدیدهای آمریکا در برخورد با ایران (۲۰۱۰-۲۰۰۱)»، فصلنامه آفاق، سال سوم، ش ۶.
۲۰. محسن‌زادگان، امیر و سیدرسول حسینی کرانی (۱۳۹۰). «نقش دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۲، ش ۳.
۲۱. مطلبی، مسعود و علی فلاح‌نژاد (۱۳۹۲). «هویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و دولت باراک اوباما»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دوره ۵، ش ۱۷.
۲۲. منظور، داود و منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲). «بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت، سال اول، ش ۲.
۲۳. نای، جوزف (۱۳۸۶). رهبری و قدرت هوشمند، تهران، مؤسسه مطالعاتی ابرار معاصر تهران.
۲۴. _____ (۱۳۸۷). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدفخر روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، نشر دانشگاه امام صادق.
۲۵. هرمزی، شانی (۱۳۸۹). «اهداف و ابزارهای دولت اوباما در میانجیگری مذاکرات»، فصلنامه معاونت راهبردی، سال هفتم، ش ۳.

26. Armitage, Richard L. and Joseph S. Nye (2007). *CSIS Commission on Smart Power, A Smarter, More Secure America*, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.

27. Brynteson, David W. (2014). *Smart Power: the United States, Iran, and Anuclear Deal*, Lieutenant Colonel David W. Brynteson United States Air Force.

28. David, Steven R. (2015). "Obama: The Reluctant Realist, the Begin-Sadat Center for Strategic Studies Bar-Ilan University", *Mideast Security and Policy Studies*, No. 113.
29. Dimitrova, Anna (2009). *Obama's Foreign Policy: Between Pragmatic Realism and Smart Diplomacy?*
30. Glenn, John K. (2011). Foreign Policy Challenges for the Obama Administration, Swedish Institute for European Policy Studies, <https://www.google.com/search?q=Obama%27s>.
31. Harvard Kennedy School (2015). Sanctions Against Iran: A Guide to Targets, Terms, and Timetables, Belfer Center for Science and International Affairs.
32. Iran Task Force (2014). Smart Sanctions Enforcement and Relief, http://taskforceoniran.org/pdf/Smart_sanctions_Memo.pdf.
33. JSOU Report (August 2013). Smart Power and U.S. National Strategy, Joint Special Operations University Tampa Point Boulevard MacDill AFB FL 33621.
34. Ming-Te, Hung and Lee Mei-Hsien (2011). "An Analysis of Obama Administration's Foreign Policy in Southeast Asia", Paper Prepared for the International Studies Association Annual Convention 2011 Montreal, Quebec, Canada.
35. Nossel, Suzanne (2004). "Smart Power", *Foreign Affairs*, March /April, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2004-03-01/smart-power>.
36. Nye, Joseph (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York, Public Affairs.
37. Obama, Barrack (2007). "Renewing American Leadership", *Foreign Affairs*, July/August. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2007-07-01/renewing-american-leadership>.
38. Valdés-Ugalde, José Luis and Frania Duarte (2001-2012). "Saving the Homeland: Obama's New Smart Power Security Strategy", *Winter*, No. 92.
39. White House (2010). *National Security Strategy Document*, Available at: www.whitehouse.gov/sites/default/national_security_strategy.pdf.